

شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۲ • سال دهم • شماره ۱۷۸۰ • ۷

شرق روزنامه

سیاست

گفت‌وگو با دکتر علی منندنی‌پور	صفحه ۸
گفت‌وگو با صالح نیکبخت	صفحه ۹
کانون و کلا و استقلال	صفحه ۹

نگاه

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران موجودیت، هویت و شبهات

با پلمب دفتر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در تیرماه سال ۸۸ به دستور دادستان وقت تهران، اسکان ادامه فعالیت این انجمن عملا از بین رفت. بستنماندن انجمن سبب شد تا پرسش‌ها و ابهامات زیادی حول انجمن، شکل بگیرد. عدم امکان پاسخگویی به پرسش‌ها، آنها را به‌تدریج به شبهه و گاهی به باورها و ذهنیت‌های اشتباه در باره هویت و موجودیت انجمن تبدیل کرد. در این فرصت می‌کوشم تا دو «شبهه» که «موجودیت» و «هویت» انجمن را نشانه رفته است روشن کنم.

شبهه انحلال
عده‌ای تصور و برخی درواقع القا می‌کنند که انجمن صنفی روزنامه‌نگاران اساسا منحل شده است. این شبهه‌ای بیش نیست. چراکه هیچ مرجع قانونی‌ای رای به انحلال انجمن نداده است. برخی در این‌باره به پرونده انجمن و دعوی حقوقی با وزارت کار و تاییدنکردن آخرین انتخابات هیات‌مدیره انجمن استناد می‌کنند. حال آنکه عدم تایید انتخابات – که ابهام و مشکل حقوقی خاصی نیز بر آن وارد نبود – به‌عنوان موضوع مورد منازعه بین انجمن و وزارت کار باقی ماند. این امر دلیل با علتی برای انحلال انجمن نبود و نیست. درست است که دیوان عدالت اداری هم در این‌باره اظهارنظر کرد اما عبارتی که در رای دیوان آمده بود به هیچ‌عنوان به معنای انحلال انجمن صنفی روزنامه‌نگاران نبود. به دلیل آنکه انحلال شخصیت حقوقی انجمن‌های صنفی مطابق با اساسنامه‌های این انجمن‌ها و مطابق با قوانین و مقررات جاری کشور از جمله قانون تجارت و قانون کار، صرفا به دو طریق امکان‌پذیر است، یکی از طریق «تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده انجمن» و دیگری «رای دادگاه» به انحلال.» درباره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران نه مجمع عمومی فوق‌العاده انجمن چنین تصمیمی اتخاذ کرده و نه هیچ دادگاهی رای به انحلال داده است. ممکن است سوال شود پس چرا دفتر انجمن پلمب شد؟ دفتر انجمن براساس دستور قضایی سعید مرتضوی، دادستان وقت تهران و بدون ذکر هیچ دلیلی پلمب شد. در آن روز قرار بود مجمع عمومی انجمن برای انتخاب بارزاس تشکیل شود. اما صبح زود همان روز مأموران دادستانی، دفتر ساختمان را پلمب کردند. بنابراین از نظر حقوقی شخصیت حقوقی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران همچنان پابرجا و معتبر است و دفتر این انجمن فقط به دلیل یک تصمیم قضایی که در سال۸۸ از طرف دادستان وقت تهران اتخاذ شد، پلمب و به این‌وسيله عملا فعالیت انجمن متوقف شد. این نکته را نیز بیفزایم که پلمب طبقه اول و سالن اجتماعات دفتر انجمن نیز سال گذشته برای ادامه فعالیت تعاونی مسکن انجمن توسط نیروهای دادستانی فک شد که در سال۸۸ از طرف دادستان وقت تهران اتخاذ شد، پلمب و به این‌وسيله عملا فعالیت انجمن متوقف شد. این نکته را نیز بیفزایم که پلمب طبقه اول و سالن اجتماعات دفتر انجمن نیز سال گذشته برای ادامه فعالیت تعاونی مسکن انجمن توسط نیروهای دادستانی فک شد و صرفا براساس تعهد اخلاقی نایب‌رئیس انجمن، فعالیت اداری انجمن در آنجا دنبال نشد. دعای انحلال انجمن، شبهه‌ای است که می‌کوشد تا «موجودیت» انجمن صنفی روزنامه‌نگاران را رنق کند. درحالی که چه به لحاظ رسمی و قانونی و چه از منظر و نگاه صنفی، تنها نهاد معتبر و متوجه که اکثریت روزنامه‌نگاران کشور را نمایندگی می‌کند، «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران» است و روزنامه‌نگاران با خوشتنداری و بردباری همچنان مدافع نهاد صنفی خود هستند و از طریق قانونی به بازگشایی انجمن امیدوار و مطمئن هستند.

شبهه فعالیت سیاسی

شبهه دیگری که مطرح می‌کنند و آن را بهانه‌ای برای تعطیلی و انحلال انجمن برمی‌شمرند شبهه فعالیت سیاسی است. شبهه‌افکنی مبنی بر سیاسی‌بودن اعضای هیات‌مدیره و انجام فعالیت سیاسی توسط انجمن با هدف نفی هویت صنفی این نهاد صورت می‌گیرد. حال آنکه این نسبت ناروایی به یک شخصیت حقوقی است. شخصیت حقوقی انجمن صنفی مانند تمام‌شخصیت‌های حقوقی دیگر مستقل از اشخاص و اعضای آن انجمن است.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران در طول دوران فعالیت خودش همواره ششون انجمن‌های صنفی را رعایت کرده و متعهد به تعامل با سازمان‌های رسمی کشوری بوده و از چارچوب قوانین و مقررات کشور خارج نشده است.

درست است که انجمن در مواقعی بیانه‌یه صادر می‌کرد و به بازداشت روزنامه‌نگاران یا توقیف مطبوعات واکنش نشان می‌داد، در مواردی هم با تشکیل نشست‌هایی در محل ساختمان انجمن، با حضور کارکنانسان رسانه و استادان دانشگاه به بررسی این نوع اقدامات که امنیت شغلی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاران را تهدید می‌کرد، می‌پرداخت؛ اما این فعالیت‌ها بخشی از حقوق و وظایف نهاد صنفی است. اعتراض به ایجاد محدودیت برای فعالیت اعضا و به خطرآفتادن امنیت شغلی آنها، کنش سیاسی محسوب نمی‌شود. تمام تشکل‌های صنفی این وظیفه را دارند که اگر یکی از اعضای آنها به دلایل صنفی تحت پیگرد قرار گرفت به آن فرد معاضدت قضایی دهند؛ اما این موضوع به منزله آن نیست که انجمن رفتار آنها را تایید یا تکذیب می‌کند. در تمام ۱۲سال فعالیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، در حالی که چندین انتخابات در مقاطع مختلف نیز برگزار شد از ریاست‌جمهوری و مجلس گرفته تا شوراها، انجمن در آنها حضور و مداخله‌ای نداشت.

انجمن در هیچ واقعه سیاسی هیچ نقش یا موضع سیاسی‌ای اتخاذ نکرد. اگر اعضای انجمن و مدیران انجمن شخصا در مسایل سیاسی عمل می‌کردند یا سخنی می‌گفتند، این امر اولاً ارتباطی به شخصیت حقوقی نداشت‌ه و ثانیاً حق شخصی آنها بوده اما انجمن هیچ‌گاه اقدام سیاسی انجام نداده است.

ادامه در صفحه ۸

یادداشت

نیم‌نگاهی به انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران

پس از پیروزی دکتر روحانی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، دوباره نام انجمن صنفی روزنامه‌نگاران بر سر زبان‌ها افتاده است و امید به گشایش آن قوت گرفته است.انجمنی که یک سال پس از روی کار آمدن دولت اصلاحات به ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی، در سال ۱۳۷۶ با اخذ پروانه از وزارت کار و امور اجتماعی (اداره کل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی) تشکیل شد و شخصیت حقوقی یافت. این انجمن از بدو تاسیس در سال۱۳۷۶ هرسمسال یکبار انتخابات اعضای هیات‌مدیره و هر یک‌سال یکبار انتخابات بازرسان انجمن را برگزار کرده است. به این ترتیب تا زمانی که امکان برگزاری انتخابات یافت و به‌طور مرتب ادامه یافت و آگهی‌های آن نیز به‌طور مرتب در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران منتشرشده است. تاسیس انجمن حرفه‌ای برای روزنامه‌نگاران نقطه امید بود. جایی که فعالیت آن از ملزومات حرفه‌ای و صنفی بود. گفته می‌شود که این انجمن، تنها انجمنی است که عضو فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران است و در کمیته‌های عضوگیری، رفاهی و پیمان دسته‌جمعی کار روزنامه‌نگاری عضویت دارد و مطابق با استانداردهای بین‌المللی فعالیت می‌کند. وظیفه اصلی این انجمن پیگیری مطالبات صنفی و حقوق حرفه‌ای اعضای خود است که می‌تواند شامل مراحل توقیف یک روزنامه باشد تا خواسته مادی و معنوی روزنامه‌نگاران، شامل حقوق و دستمزد روزنامه‌نگاران، مسکن و صندوق رفاه آنها، پیمان دسته‌جمعی کار تا تاسیس دانشکده خبری برای تربیت و آموزش خبرنگاران و علاقه‌مندان به این حرفه، هویت‌بخشی به روزنامه‌نگاران، استقلال مادی روزنامه‌نگاران و تقویت کیفی مطبوعات که همه این‌ها موارد در حوزه وظیفه و عملکرد انجمن قرار می‌گرفت. این بود که بسیاری از روزنامه‌نگاران نام خود را محمد شریف (وکیل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران به ثبت رساندند تا با عضویت در این انجمن، کمی از کار در حرفه نامطمئن و پرخطر روزنامه‌نگاری، احساس امنیت کنند. بیشتر اعضای این انجمن خواهان پرداختن به مشکلات ناشی از نامنسی شغلی روزنامه‌نگاران و مسایل رفاهی، بازنستستگی، بیمه و مسکن بودند. نهادی حرفه‌ای که در زمان مهروموم شدن آن، حدود چهارهزارو ۳۰۰روزنامه‌نگار از سراسر کشور در آن عضو بودند.

بنظر شما علاوه بر رشد اجتماعی چه عواملی در ثبات نهادهای صنفی لازم است؟
به‌نظر من هویت فردی صنفی خیلی مهم است.
کالا
هویت فردی شکل گرفته؟
بله. الان در روزنامه‌نگاری ایران هویت فردی صنفی شکل گرفته یا اگر کمی محافظه‌کارانه بخواهم عرض کنم، به سرعت در حال شکل‌گیری است. منافع فردی مفهومی جدی دارد، هرچند این روند تدریجی بوده است. در این مورد شرایط اقتصادی، توسعه اجتماعی و فرهنگی جزو عوامل موثر بر آن است و با این نگاه ساختارها تغییر می‌کند. این اتفاق در مطبوعات و نهادهای صنفی آن رخ داده است.

کالا
آیا این روندها بر نهادهای مدنی تأثیرگذار است؟ و چرا نهادهای مدنی در ایران رشد اجتماعی بدون شک در روند نهادهای مدنی موثر است. البته در کنار آن استمرار فعالیت مطبوعاتی سراسری و استانی بسیار مهم است.
کالا
به‌نظر شما علاوه بر رشد اجتماعی چه عواملی در ثبات نهادهای صنفی لازم است؟
به‌نظر من هویت فردی صنفی خیلی مهم است.
کالا
ان هویت فردی شکل گرفته؟
بله. الان در روزنامه‌نگاری ایران هویت فردی صنفی شکل گرفته یا اگر کمی محافظه‌کارانه بخواهم عرض کنم، به سرعت در حال شکل‌گیری است. منافع فردی مفهومی جدی دارد، هرچند این روند تدریجی بوده است. در این مورد شرایط اقتصادی، توسعه اجتماعی و فرهنگی جزو عوامل موثر بر آن است و با این نگاه ساختارها تغییر می‌کند. این اتفاق در مطبوعات و نهادهای صنفی آن رخ داده است.

کالا
آیا این روندها بر نهادهای مدنی تأثیرگذار است؟ و چرا نهادهای مدنی در ایران رشد اجتماعی بدون شک در روند نهادهای مدنی موثر است. البته در کنار آن استمرار فعالیت مطبوعاتی سراسری و استانی بسیار مهم است.



عکس: گل‌آرا سفادیان

کامیوز نوروزی، حقوقدان:

نهادهای صنفی نباید درگیر کار «قدرت» شوند

بنده تردید جدی دارم که در آن ادوار بتوانیم، بگوییم صنفی گسترده به نام روزنامه‌نگار وجود داشته.

کالا
شاید به دلیل نبود حزب است که نهادهای صنفی کارکرد حزبی پیدا می‌کردند؟
البته نمی‌تواند بی تأثیر باشد؛ ما در سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ و دوره مشروطه در ایران حزب داشتیم اما باز همه چیز بوی سیاست می‌داد. نهادهایی هم که برای کار غیرسیاسی تشکیل می‌شدند باز درگیر کار سیاست بودند از نان و فرهنگ گرفته تا خوشنالم‌ترین شعار، سیاسی بودند. شاید به این دلیل بود که ما همه چیز را شتابزده می‌خواستیم و بر این باور بودیم که ره صدساله را یکساله طی کنیم.دموکراسی در یک روند تدریجی و طولانی‌مدت شکل می‌گیرد.

کالا
چرا اشتباهات ما در تاریخ مدام تکرار می‌شود؟ آیا این مشخصه بارز ساختار اجتماعی ایران است که مدام عقبگرد تاریخی دارد؟

به‌نظر من ما عقبگرد نداریم، این نگاه خیلی بدبینانه است و نقد خیلی جدی بر آن وارد است. تصور اینکه ما عقبگرد داشته‌ایم ناشی از نگاه نادرست به امر دموکراسی و فرآیند دموکراسی و نیز قالب‌های دموکراسی در جوامع مختلف است. جریان‌های سیاسی و نیروی ترقی‌خواه و آزادی‌طلب در عمل دموکراسی را به عنوان یک امر ارادی و دفعی تلقی می‌کنند و تصور بر این است که با تغییر سیاسی الزاما دموکراسی اتفاق می‌افتد. در صورتی که دموکراسی یک امر اجتماعی است و اگرچه یکی از نتایج مهم آن در سیاست رخ می‌دهد اما تا زمانی که تغییرات اجتماعی رخ ندهد، دموکراسی در حوزه سیاست اتفاق نمی‌افتد حتی در کشورهای پیشرفته هم دموکراسی‌خواهی نتیجه تحولات عمیق و طولانی‌مدت و گاه بسیار دردناک و پرهزینه اجتماعی است. پس با تغییر سیاسی دموکراسی الزاما شکل نمی‌گیرد. به اعتقاد من در همین ۲۵ سال اخیر به دلیل آنکه تغییرات متعددی در جامعه و اقتصاد و فرهنگ ایران و به تبع آن در حوزه سیاسی اتفاق افتاده است، به‌رغم همه داوری‌های منفی که وجود دارد، در قلمرو فعالیت مطبوعاتی و آزادی مطبوعات، نه تنها عقبگرد نکردیم بلکه رو به پیشرفت هم هستیم، منتها با آرمی و سختی و دست‌اندا.

کالا
پس این تحولات و رشد اجتماعی است که در کنار تغییرات سیاسی تبدیل به یک ظرفیت بزرگ می‌شود نه تغییرات سیاسی؟
بله تغییرات سیاسی محصول تغییرات اجتماعی است و این نکته‌ای است که در اندیشه‌های سیاسی و عمل سیاسی ایرانی نادیده گرفته می‌شود. به همین دلیل است که وقتی قانون اساسی مشروطه به ایران وارد می‌شود یا اینکه از نظر حقوقی بسیار قانون مترقی بوده است اما با شکست مواجه می‌شود. دلیل آن این است که جامعه ساختارهای اجتماعی آن سازگاری با این قانون را نداشتند و مقدمات تغییرات اجتماعی برای تحقق نهادهای سازکارها و الگوهای حقوقی مندرج در این قانون هنوز طی نشده بود. عدمموفقیت آن فقط به خوف از لیاخوف و چکمه‌های رضاشاه برمی‌گردد بلکه این شرایط اجتماعی ایران در آن دوره تاریخی بوده که باعث شد کل جامعه ایران احساس نیاز و پیوند عمیق با قانون اساسی مشروطه و سازمان و نهادهای حقوقی مندرج در آن نکند و برای حفظ آن مبارزه و جنگ نکند. وگرنه جامعه ایران به این سادگی نباید این قانون پیشرفته را از دست می‌داد و باید مقاومت اجتماعی شکل می‌گرفت، که این طور نشد. چیزی که خیلی وقت‌ها فعالان سیاسی فراموش می‌کنند، در واقع دموکراسی محصول اراده حکومت‌ها نیست. هیچ حکومتی در جهان هیچ‌وقت ذاتا از پخش‌کردن قدرت استقبال نمی‌کنند. عملی که حکومت‌های دنیا را به سمت رفتار دموکراتیک می‌کشاند، الزام‌های اجتماعی است. به عنوان مثال حتی آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی دنیا زمانی که در خارج از ایالاتمتحده حضور دارد و تحت سیطره الزامات درونی جامعه آمریکایی نیست، غیردموکراتیک‌ترین رفتارها را از خود نشان می‌دهد. دولت‌ها زمانی تن به مناسبات دموکراتیک می‌دهند که شرایط اجتماعی، به تمامی، آنها را ملزم می‌کند.دموکراسی محصول اراده حکومت‌هانیست، بلکه ناشی از اجبارها و الزام‌هایی است که در ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد و حکومت‌ها را به رفتار دموکراتیک وادار می‌کند. اما نباید فراموش کرد که جامعه امروز ما دموکرات‌تر از دیروز است. شرایط اقتصادی، توسعه اجتماعی و فرهنگی در ایران بسیار مهم است، ظرفیت اجتماعی بالااست.

کالا
به‌نظر شما علاوه بر رشد اجتماعی چه عواملی در ثبات نهادهای صنفی لازم است؟
به‌نظر من هویت فردی صنفی خیلی مهم است.

کالا
ان هویت فردی شکل گرفته یا اگر کمی
بله. الان در روزنامه‌نگاری ایران هویت فردی صنفی شکل گرفته یا اگر کمی محافظه‌کارانه بخواهم عرض کنم، به سرعت در حال شکل‌گیری است. منافع فردی مفهومی جدی دارد، هرچند این روند تدریجی بوده است. در این مورد شرایط اقتصادی، توسعه اجتماعی و فرهنگی جزو عوامل موثر بر آن است و با این نگاه ساختارها تغییر می‌کند. این اتفاق در مطبوعات و نهادهای صنفی آن رخ داده است.

کالا
آیا این روندها بر نهادهای مدنی تأثیرگذار است؟ و چرا نهادهای مدنی در ایران رشد اجتماعی بدون شک در روند نهادهای مدنی موثر است. البته در کنار آن استمرار فعالیت مطبوعاتی سراسری و استانی بسیار مهم است.

ادامه در صفحه ۹

صنفی نباید به قلمرو سیاسی وارد شود اما اگر فعالیتش به ناگزیر اثر سیاسی داشته باشد، مسوولیتی متوجه نهاد صنفی نیست. علاوه بر این مایل‌م به یک نکته مهم هم اشاره کنم و آن اینکه الگوی رفتاری جامعه در حوزه‌های مختلف با تکرار مستمر بلندمدت و همراه تجربه جمعی شکل می‌گیرد و قاعده‌مند شده و مستقر می‌شود. خصوصا اغلب نهادهای حقوقی محصول فرآیندهای تدریجی، منظم‌وار و سیستماتیکاند. نهادهای مدنی به عنوان یکی از نهادهای دموکراتیک هم از این قاعده پیروی می‌کنند تا زمانی که فرآیندهای سیستماتیک یک ساختار اجتماعی دموکراتیک شکل نگیرد و پیش نرود، نمی‌توان انتظار داشت که نهادهای مدنی هم بی‌عیب و نقص عمل کنند. یا اینکه دولت، به تمامی آنها را بپذیرد و در کارها مشارکت دهد. در ایران در طول تاریخ معاصر جرقه‌هایی از نهادهای دموکراسی می‌بینیم. مثلا در حوزه احزاب، مطبوعات و یا در حوزه انتخابات اما به اعتقاد من جرقه نهادها ناشی از شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی دموکراتیک نیست. بلکه نوعا ناشی از فروپاشی نظم سیاسی و امنیتی است؛ مثلا در صدر مشروطه یا سال‌های ۱۳۳۲ – ۱۳۲۰. در صدر مشروطه دولت قاجار و نظم قبایلی دولت قاجار تر کهای بزرگ برمی‌دارد و در طول نزدیک به ۱۵–۱۴ سال از هم می‌پاشد. بدون آنکه در جامعه ایران اتفاق ساختاری افتاده باشد.

اما نظم فجری از بین رفته و چوب و فلک‌فجری شکسته و بر اثر فروپاشی نظم پلیسی و امنیتی یک‌جور امکان آزادی عمل فراهم شده بود. با کمی طنزوشوخی می‌توان گفت که جامعه مثل کلاسی بود که معلم از کلاس بیرون آمده است. مشابه این اتفاق در دهه ۲۰ هم تکرار می‌شود. شرایطی از قبیل تلاش برای برقراری نظم پلیسی رضاشاهی و مهره‌هایی مانند محرملی‌خان سانسورچی در مطبوعات یا نظمیه سرتیپ مختاری و دیگران که در اثر فروپاشی این نظم و شروع جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به ایران، سلطنت شاه جوان و سیطره قدرت‌های بزرگ و فروپاشی، باعث می‌شود که در این دوره ۱۲ساله آزادی مطبوعات، احزاب و نهادهای مدنی خودی نشان بدهد. ولی با کودتای ۲۸ مرداد و استمرار مجدد نظم پلیسی و امنیتی همه چیز، با دست‌کم بیشتر چیزها به جای اولش برمی‌گردد. درواقع آزادی و رشد نهادها در جریان یک مجموعه تغییرات تدریجی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکل نگرفته بودند تا ریشه و عمق اجتماعی بیابند، بلکه عمدتا محصول فروپاشی نظم سیاسی- امنیتی بودند و با استقرار نظم جدید نیز سر کوب می‌شدند یا در عمل از فعالیت بازمی‌مانند.

خیلی از نهادهما محصول فرآیند تدریجی‌اند و با یک تغییر الزاما دموکراسی اتفاق نمی‌افتد. شکل‌گیری نهادهای مدنی مستلزم شکل‌گیری جامعه مدنی است. در ایران در طول تاریخ معاصر جرقه‌هایی از نهادهای دموکراسی می‌بینیم. به اعتقاد من جرقه نهادها ناشی از شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی دموکراسی نیست

در دوره‌های متعدد تاریخ معاصر ایران تشکیل نهادهای صنفی و مدنی ناشی از شکل‌گیری حرکت پایهای و دموکراتیک نیست، بلکه نتیجه به حاشیه راندهشدن یک نظم موجود است. اما در سه دهه اخیر و به‌ویژه در ۲۰سال گذشته، در کشور مجموعه‌ای از تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و متعاقبا سیاسی رخ داده است، که برپایه آنها این امکان هم حاصل آمد که هم نهادهای دموکراتیک و هم الگوهای رفتار دموکراتیک به آرمی شکل بگیرد و خودش را حتی به نظام حقوقی هم تحمیل کند. البته تاکید می‌کنم که نباید رویاپردازانه با موضوع رویه‌رو شد. هنوز به تجربه‌های بسیار زیادی احتیاج داریم. این نوع تغییرات بسیار آهسته رخ می‌دهند.

کالا
انجمن‌های روزنامه‌نگاری زمانی دغدغه آزادی قلم و بیان داشتن و شاید به این دلیل است که درگیر سیاست می‌شوند و به حقوق صنفی چندان توجه نمی‌کردند؟
ابتدا بنده عرض کنم که از نظر من آزادی بیان و به تبع آن آزادی مطبوعات از آن دسته موضوعاتی است که ذاتا سیاسی نیستند، بلکه کارکرد گاهی سیاسی می‌یابند. علاوه بر این در کار روزنامه‌نگاری آزادی، اساسا یکی از وسایل و ادوات کار است. مثل کاغذ یا خودکار و مداد می‌ماند. اما این نقد را هم قبول دارم که در ادواری که به عنوان ادوار آزادی مطبوعات در ایران شناخته شده‌اند، یعنی صدر مشروطه، دهه ۱۳۲۰ و سال‌های ۵۷ تا اوایل دهه ۱۳۶۰ الگویی از روزنامه‌نگاری در ایران شکل گرفت که بنده آن را الگوی روزنامه‌نگاری شورش، می‌نامم. روزنامه‌نگاری این دوران‌ها نه در پی تغییرات اجتماعی تدریجی دموکراتیک، بلکه همان‌طور که گفتیم به دنبال فروپاشی دفعی و یکباره نظام سیاسی و امنیتی یک جامعه استبدادی و استبدادزده است که فعال می‌شود. بله همه خواسته‌های جامعه در سیاست و آزادی معنا پیدا می‌کند. نشریات صدر مشروطه و دهه ۲۰ و اواخر دهه ۵۰ تماما از سیاست موج می‌زند. سیاست دوقطبی صفر و یک، مردم‌باد و زندم‌باد.

منافشه‌برانگیزترین صحبت‌ها، صحبت از آزادی است اما حدود آزادی و گفت‌وگو آزادخواهی مشخص نیست و این در تمام آن دوره‌ها تکرار می‌شود. در واقع مفهوم و درک دقیقی از آزادی وجود ندارد. سیاست دوقطبی معمولا در این دوره بیداد می‌کند. تبعاً نهادهای صنفی هم در این ادوار بیشتر از آنکه به دنبال مسایل صنفی باشند، گرد مسایل سیاسی می‌چرخند خصوصا اینکه اگر به تعریف دقیق کلمه صنف توجه کنیم،

بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری، حسن روحانی به عنوان کاندیدای پیروز و رئیس‌جمهور منتخب در اولین کنفرانس خبری قول داد که از مطالبات روزنامه‌نگاران و بقیه اصناف دفاع می‌کند و شعار اعتدال و قانونگرایی دکتر روحانی نقطه امیدى در پیگیری مطالبات مدنی و صنفی گروه‌های شغلی مختلف به‌خصوص روزنامه‌نگاران است. روزنامه‌نگارانی که یکی از دغدغه‌های اصلی آنها تعطیلی انجمن صنفی حرفه‌ای است. داشتن یک نهاد صنفی مستقل، ابتدایی‌ترین حق هر صنف است. در صنف روزنامه‌نگار نیز فعالیت نهاد صنفی یکی از مهم‌ترین مسایلی است که خانواده مطبوعات کشور به آن توجه دارد؛ ماده۴ قانون نظام صنفی کشور (مصوب ۱۳۷۴/۱۲/۱۳۸۲) آن گروه از افراد را که طبیعت فعالیت آنها از یک نوع باشد را صنف می‌خواند و به چهار دسته تولیدی، فنی، توزیعی و خدماتی تقسیم می‌کند اما در تبصره‌ای، صنفی که قانون مخصوص دارند را از شمول آن مستثنا می‌داند (پزشکان، وکلا و روزنامه‌نگاران).

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در مهرماه ۱۳۷۶ به‌عنوان اجرای ماده ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران توجیه و در اجرای اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد و در سال ۱۳۸۸ پلمب شده است و پرونده انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در دادگاه در حال بررسی است. ما با توجه به اهمیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و در پیگیری مطالبات روزنامه‌نگاران بر اساس وعده‌های کاندیدای پیروز، با کامیوز نوروزی، دبیر کمیته حقوقی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به گفت‌وگو می‌نشینیم. گفت‌وگو ما با ایشان با دو محور حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و ارتباط تشکل‌های صنفی با سیاست است. این گفت‌وگو قبل از اعلام نتایج انتخابات انجام شده است.

کالا
لطفا در مقدمه ورود به بحث، تعریفی از نهادهای صنفی و مدنی ارایه دهید تا بعدا به‌طور دقیق‌تر مصاحبه را ادامه دهیم.

نهادهای مدنی شامل مجموعه نهادهایی است که اعضای آن به‌طور داوطلبانه با مشارکت سازمان‌یافته در فعالیت‌های اجتماعی مختلف از یک سو رابطه تعاملی بین گروه‌های اجتماعی و دولت برقرار می‌کنند. از سویی دیگر در مهار قدرت نقش بازی می‌کنند. نهاد مدنی در تضعیف سلطه‌گری و زورمداری دولت‌ها نقش دارد و خصلت عمومی بودن و بازبودن، از این نهادها گستره‌ای در قدرت هگمانی می‌سازد. تعریف ساده و بدون مناقشه نهاد صنفی این است که این نهادها جزئی از نهادهای مدنی هستند و به‌طور داوطلبانه و جدا و مستقل از دولت و به‌وسیله خود گروه صنفی، برای موضوعات خاص صنفی تشکیل می‌شوند و اداره آن نیز مستقل از دولت است و با موضوع و اهداف غیرسیاسی و اختصاصا با هدف صنفی فعالیت می‌کنند و اغلب از نظر مالی مستقل اداره می‌شوند. در نهاد صنفی، اشتراکات صنفی و منافع صنفی موجب تشکیل این نهاد می‌شود. نهاد صنفی یکی از مصادیق نهاد مدنی است.

کالا
شما می‌فرمایید که این نهادها مستقل از سیاست و دولت باید باشند، اما بیشترین اتهام وارد شده به نهادهای صنفی سیاسی کاری آنهاست، به نظر شما بین سیاست و قدرت چه تفاوتی وجود دارد؟

باید روی واژه سیاست تأمل کرد. کلمه سیاست در بحث به منزله قدرت سیاسی است. در جوامع غیردموکراتیک دایره شمول سیاست و قدرت را یکی در نظر می‌گیرند در حالی که اینجا با هم کاملا تفاوت دارند. در ایران دایره شمول سیاست خیلی وسیع است، گاه حتی موضوع نان هم سیاسی می‌شود. در واقع نهادهای صنفی، گروهی از نهادهای مدنی هستند که می‌توانند برای هر امری تشکیل شوند، مثلا دوستداران محیط‌زیست دور هم جمع می‌شوند و برای حفظ یک گونه زیستی یا محیط‌کوبری انجمنی را تشکیل می‌دهند و نمی‌خواهند قدرت حکومتی را دست بگیرند. نهاد مدنی و نیز نهاد صنفی قاعدتا کار صنفی باید بکنند. اما به طور ناخواسته گاهی اوقات ممکن است عملکرد یک نهادمدنی یا صنفی کارکرد سیاسی پیدا کند. مثلاوقتی کارگرها برای بهبود شرایط کار در کارگاه اقداماتی انجام می‌دهند این احتمال وجود دارد که با طرح موضوع در محافل مختلف و رسانه‌ها و مجادلات مختلف، این امر کاملا صنفی و غیر سیاسی کارکرد سیاسی بیابد. این امر به معنای آن نیست که آن جامعه کارگری کار سیاسی کرده است. این دو امر را باید از هم تفکیک کرد.

کالا
به‌نظر شما کار نهاد صنفی درگیرشدن در کار سیاست یا به‌معنای دقیق آن قدرت است؟

نهاد صنفی اصولا نباید درگیر در کار قدرت شود. به عنوان مثال درگیرشدن در فعالیت‌های انتخاباتی سیاسی که مصداق سیاست است، کار یک نهاد صنفی نیست، نهاد صنفی نباید به عنوان یک شخصیت حقوقی در حمایت یا عدم‌حمایت فردی بیانه سیاسی بدهد. البته نهاد مدنی در جاهایی می‌تواند این کار را انجام بدهد. مثلا زمانی که فردی را به مجلس‌شورای اسلامی یا شورای‌شهر به عنوان نماینده بفرستد که از موضوع خاص صنفی دفاع کند، که ارتباطی به جریان یا گروه خاص سیاسی ندارد و اینجا یک کار کاملا صنفی می‌شود.

کالا
اما گاهی تشکل‌ها کارکرد حزب پیدا می‌کنند؟

بله عرض کردم که باید «اکر سیاسی» را از «کارکرد سیاسی» تفکیک کرد. نهاد



لیلا ابراهیمیان